

چهارباغ یا چارباغ؟

چکیده | «چهارباغ» صحیح است یا «چارباغ»؟ این سؤال اصلی نوشتار پیش روست. هرگاه برای فهم عمیق‌ترین پدیده به متون تاریخی، کتاب‌ها، سفرنامه‌ها، زندگینامه‌ها و حتی کتیبه‌ها سر می‌زنیم مشاهده می‌کنیم که واژه «باغ» به عرصه‌ای دلپذیر، پراز گل، گیاه، درخت و آب جاری، اما منظم و برپایه هندسه‌ای مشهود، اطلاق شده است. در این میان «چهارباغ» یا شاید «چارباغ» اشاره‌ای به الگوواره نظم‌دهنده به آب، گیاه و بنا در عرصه‌ای به نام «باغ» است. اما سؤال اصلی اینجاست که چرا گاهی در متون علمی و ادبی حرف «ه» از واژه «چار» حذف شده است. آیا دلیل ویژه‌ای برای این امر وجود دارد یا صرفاً به مرور زمان و در افواه عمومی این حرف حذف شده است. البته بعید است فرض دوم صحیح باشد زیرا در متون ادبی که معمولاً نویسندگان بر نگارش صحیح واژه اصرار داشته است نیز واژه «چارباغ» به چشم می‌خورد. از این رو این نوشتار براساس بررسی تطبیقی اسناد در دسترس - اما محدود - دودمان‌شناسی واژه و تطبیق آن با شکل‌شناسی، به کنکاش این موضوع می‌پردازد.

واژگان کلیدی | چارباغ، چهارباغ، باغ ایرانی، کهن‌الگو.

آزاده شاهچراغی
دکتری معماری، استادیار
دانشکده هنر و معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد
علوم و تحقیقات تهران



shahcheraghi@srbiau.ac.ir



تصویر ۱۴: یک مسیر (محور) در باغ خیال. موزه آثار ترکی و اسلامی استانبول. مأخذ: کورکیان، ۱۳۷۷.

Pic14: Un-axial Persian garden in Miniature.
Source: Kevekyan, 1999.

به نظر می‌رسد انتساب واژه «چارباغ» به باغ‌های ایرانی پیش از دوران صفوی برمی‌گردد. به طوری که پس از این دوران واژه «چارباغ» متداول می‌شود. نکته قابل توجه آن است که دو واژه نامبرده هیچکدام در طول تاریخ به چهاربخشی بودن عرصه باغ دلالت ندارد.

اصفهان... خیابان چهارباغ از چهاررديف درختان کهن تشکیل می‌شد که سه‌گذر اصلی را در میان می‌گرفتند. دو گذر کناری باریک‌تر و گذر میانی پهن‌تر بود و نه‌ری سنگ‌فرش از میان آن می‌گذشت که در امتدادش آب‌نماها بود... به نظر استروناخ طراحی باغ سلطنتی پاسارگاد در دوره کوروش، اولین شیوه ساخت چهارباغ است. مقبره کوروش نیز احتمالاً در مرکز یک چهارباغ قرار داشته است» (استروناخ، ۱۳۷۹: ۱۰۷، ۱۱۱-۱۰۹)؛ (تصویر ۴).

واژه «چارباغ» در رساله ارشادالزرع در روضه هشتم رساله «ارشادالزرع»، تألیف ابونصر قاسم هروی (دوره قاجار) ذیل عنوان طرح چهارباغ و عمارت چنین آمده است: «اول دستور آنست که گرد چهارباغ را از پای دیوار سه‌ذرع گذاشته بعد از آن یک ذرع جوی سازند و کنار جوی که از جانب دیوار است و حاشیه‌ش گویند، ... و سه‌ذرع دیگر غرق که راه رواست گذارند... و بعد از آن میانه راست را شاه جوی گذاشته، آب را بحوض که رو به عمارت است آورند، ... و در هر دو کناره شاه جوی مذکور غرق جهت راه رو گذاشته بعد از آن جهت سه‌برگه جاترتیب نمایند و بر هر جانب سه‌برگه در مرتبه علیا، چهار چمن جدا نموده، ...» (ابونصر هروی، ۱۳۵۶: ۲۱۱-۲۱۰). در توصیف احداث باغ ابونصر هروی به هیچ وجه در ساختار کلی و در کرت‌بندی‌های باغ اشاره‌ای به ایجاد دو محور عمود برهم و یا ایجاد چهار باغچه، نکرده است (تصاویر ۵ و ۶).

واژه «چار» در روضیه‌الصفات در ابیاتی که «عبدی بیک شیرازی» در توصیف باغ‌های قزوین در دوره صفویه آورده است، بارها واژه «چار» را به جای واژه «چهار» به کار برده است، اما در هیچ کجای ابیات وی واژه ترکیبی «چارباغ» یا «چارباغ» دیده نمی‌شود. مانند:

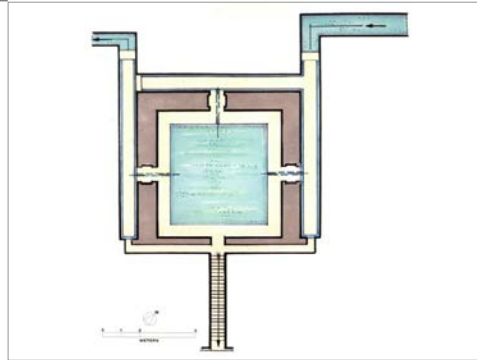
گشته دو سطح متقاطع دو چار
چارخیابان ز دو سطح آشکار (بیت ۱۹۹)
چار چنارش بفلک جسته راه
چار ملک گشته دعاگوی شاه (بیت ۲۵۹)
چار طرف چار مربع چمن
هر طرفش بید و گل و یاسمن (بیت ۳۳۵)
چار طرف باغ چو خلد برین
هر گل و هر میوه در آن سرزمین (بیت ۴۶۱).

فرضیه | بررسی شواهد نشان می‌دهد واژه «چارباغ» ریشه در واژه «چارباغ» و «باغ» نیز ریشه در کلمه «بگ» زبان هخامنشی، به معنی «خداوند» و «قطعه‌ای از هستی» دارد و به معنی عرصه‌ای که به چهاربخش تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد برداشت از واژه «چارباغ» به صورت امروزی - یعنی تصور چهاربخشی بودن عرصه باغ - ریشه در باغ‌سازی دوره صفویه دارد. هرچند در دوره صفویه نیز چارباغ‌هایی ساخته شده است که عرصه آن‌ها دو بخش هستند.

فرضیه چهارباغ بر اساس چهارگانه‌ها بسیاری از محققان ریشه طرح چهارباغ ایرانی را به اساس چهارگانه‌ها در هنر و فرهنگ ایران نسبت می‌دهند. چهارگانه‌ها در دسته‌بندی «اقالیم، ادوار تاریخی، ساختار اجتماعی، طب سنتی، مراتب تکوینی جهان در نحله‌های فکری، شعر و ادب فارسی، موسیقی، خطاطی، فرش بافی، معماری و...» در فرهنگ تاریخی ایران به طور دائم به چشم می‌خورد. اما الزاماً نمی‌تواند دلیل چهاربخشی شدن باغ ایرانی (آن هم فقط) در برخی از دوره‌های تاریخی باشد (نک: شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). مورد نظر از این بررسی آنست که «عدد چهار در تفکر ایران باستان نمادی از جهانی بودن است» (عالمی، ۱۳۹۰: ۶). زیرا چهارگانه‌ها صرفاً در طرح‌ریزی چارباغ و یا طرح کالبدی باغ‌ها مد نظر نبوده است. در سراسر فرهنگ و هنر تاریخی ایران حضور دارد بدون آنکه الزاماً در هر اثری به طور عینی «چهار» و «چهارتایی» دیده شود (تصاویر ۱ تا ۳).

واژه چهارباغ در دانش‌نامه جهان اسلام «چارباغ (چارباغ)، طرح باغ ایرانی است که در آن معابر عمود بر هم، باغ را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند. به سبب قرار گرفتن این باغ‌ها در کنار خیابان‌ها و روستاها و سایر اماکن، گاهی آن محل‌ها نیز به چهارباغ معروف شده‌اند، مانند خیابان چهارباغ اصفهان، روستاهای چهارباغ در هرات و نیشابور، ... چهارباغ از جمله اصطلاحات معماری و هنری متأثر از عدد چهار است. این عدد در ادیان و فرهنگ‌های مختلف، از جمله نزد زردشتیان، جنبه تقدس و نمادین داشته است. بعضی شکل صلیب را مبدأ چهارباغ دانسته‌اند. در تفکر ایران باستان، یک چلیپا جهان را به چهار بخش تقسیم می‌کند که در مرکزش چشمه‌ای قرار دارد. چهارباغ الگوی استقرار سریع و توسعه فضای شهری یا باغ شهر است (انصاری، ۱۳۸۲: ۵۲). به عنوان مثال خیابان‌های اصلی را به صورت چهارباغ می‌ساختند که در این حالت عرض خیابان به چهاربخش تقسیم می‌شد، مثل چهارباغ

تصویر ۱۴
Pic14

تصویر ۳
Pic3تصویر ۱
Pic1

تصاویر ۱ تا ۳: مقایسه تطبیقی (۱) نقشه معبد آناهیتا در بیشاپور، (۲) نگاره (مینیا تورا) حوض مرکزی باغ وفا و (۳) تصویر حوض درون کوشک مرکزی باغ فین نشان می دهد چهارشاخه شدن مسیر آب از مرکز حوض یک برداشت اولیه و ظاهری است. زیرا یکی از این چهارجوی در واقع جوی ورود آب به حوض است و سه تای دیگر خروج آب و جاری شدن آب از حوض را نشان می دهد.
مأخذ: شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۲۱ و ۲۵.

Pic1,2,3: Plan of Anahita Temple 2- Miniature of Vafa Garden 3- Interior space of Pavilion in Fin garden: Comparing these tree pictures shows that in the first look it seems Persian garden was divided in four square shape parts which is called Chahrbagh, but actually one of those four waterway is entry channel. Shahcheraghi, 2010. source: Shahcheraghi, 2010:21 and 25.

تصویر ۲
Pic2

واژه «چارباغ» در بابرنامه

بابر، پادشاه تیموری، علاقه زیادی به ساخت باغ و نظارت شخصی بر آن داشت. در بخشی از بابرنامه، نوشته بابرشاه (۸۸۸ تا ۹۳۶ قمری) آمده است: «از میان باغ یک آسیاب همیشه جاری است. در کنار این جو چنارها و درختها بسیار است. در اوایل این جو کج و بی سیاق بود من فرمودم که این جوی را بر وجه سیاق ساختند. بسیار جای خوبی شد» (بابر، ۱۳۰۸ قمری: ۸۶). در این توصیف نیز واضح است که تنها از احداث یک جوی برای ساخت چارباغ سخن گفته شده است.

واژه «چارباغ» در توصیفات نرشخی

پیندر ویلسون (Pinder Wilson) با توجه به گزارش «رشیدالدین» از سپاهیان مغول، اظهار می کند به علت سبک زندگی چادرنشینی مسلمانان اولیه مغول، آنها یک فرم منعطف را به صورت چادرهای مجلل جایگزین ساخت و ساز کردند. به گفته وی یکی از نخستین اشارات مربوط به چارباغ برمی گردد به توصیف نرشخی (Narshakhi) از بخارا، که این واژه ممکن است ناشی از واژه «s' r' b' gh» سغدی به معنی برج باشد، «پیندر ویلسون» تأیید می کند توصیف مذکور نمی تواند قطعاً مربوط به اصل فرم چارباغ باشد؛ اگر این استنتاج درست باشد، پس چارباغ

ریشه لغت مشهوری بود که معنی اصلی آن از بین رفته است (Damgaard, 2005:32). دقت در تشابه بین تلفظ دو واژه «s' r' b' gh» و «ciahar bagh» می تواند باب جدیدی در ریشه شناسی واژه و مفهوم چارباغ بگشاید» (منصوری و حیدرنتاج، ۱۳۸۸: ۲۸).

چارباغ و چارباغ در زبان هخامنشی

از آنجاکه در اغلب تحقیقات معاصر، ریشه شکل گیری باغ ایرانی و چارباغ ایرانی را به حدود ۲۵۰۰ سال پیش و قدیمی ترین باغ مستندنگاری شده را باغ سلطنتی پاسارگاد مربوط به دوران هخامنشی می دانند، این فرض به ذهن متبادر می شود که می بایست ردپایی از واژه «چارباغ» در کتیبه های به جای مانده از آن دوران وجود داشته باشد. از این رو واژگان «باغ»، «چار» یا «چار» و «چارباغ» یا «چارباغ» در اسناد مربوط به این دوره بازنگری شده است.

بغ در زبان هخامنشی

واژه باغ در فارسی میانه نو به کار رفته و در طول زمان به صورت واژگان دیگر تغییر شکل داده است (جدول ۱). این واژگان همگی از ریشه باستانی «bag» یا «بخش کردن» است که مصدر بخشیدن در فارسی نوین بوده و

نام واژه باغ نیز از آن ریشه آمده است. هم چنین بسیاری از زبان شناسان واژه باغ را برگرفته از ریشه کلمه بغ می دانند که علاوه بر معنی بهره و بخش در سنگ نبشته های پادشاهان هخامنشی. «bg» همیشه در معنای خدا آمده است (شارپ، ۱۳۴۶: ۶۳ و ۱۷۵). بغ در دین زرتشتی به معنی خداوند، اهورامزدا و در اوستا نیز به معنی خداوند و سرور بزرگ است. در مجموع باید گفت بغ به معنای بهره، بخش یا بخشی از کامل و چه در مفهوم خداوند، سرور و بزرگ باشد: «از یک ریشه و از یک مصدر بگ (bag) یا بک (bak) به معنی بخشیدن است» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۶). منظور از این بخشیدن همان بخشایش ایزدی است. حق این بخشایش را می بخشد. هم چنین باغ ضمن آن که ریشه ای آسمانی و مقدس دارد به «مفهوم تقسیم شده به چند بخش نیز هست» (براتی، ۱۳۸۳: ۷)، که معنایی زمینی و مادی را مجسم می کند.

«چا» در زبان هخامنشی

«چا» حرف عطف است که همانند پسوندی به کلمات متصل می شود (شارپ، ۱۳۴۶: ۱۶۲). در متن بسیاری از کتیبه های هخامنشی، این پسوند با کلمات ترکیب می شود و معنی خاص و متمایزی ندارد. اما در هیچ کتیبه ای واژه «چاگگ» یا «بگ چا» دیده نمی شود.

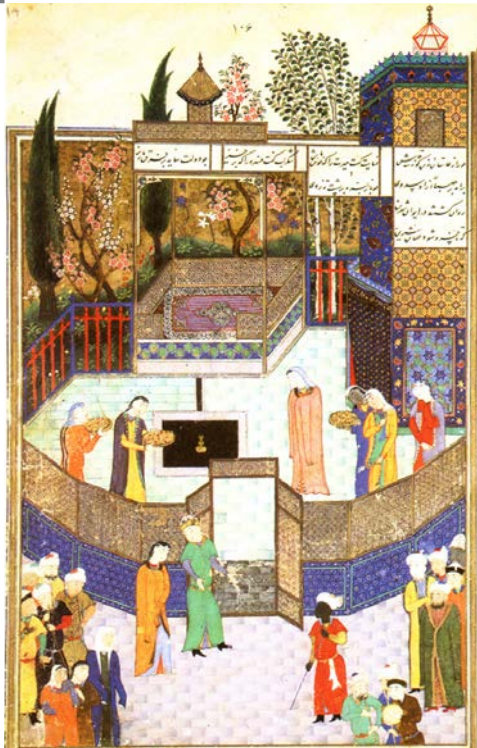
تصویر ۱۲: باغ فرش با طرح چهارباغ (چهاربخشی)، قرن ۱۸. مأخذ: <https://rugrabbit.com>

Pic12: Four square shape parts in Chahrbagh garden carpet 18 century. Source: <https://rugrabbit.com>



تصویر ۱۲
Pic12

تصویر ۱۶
Pic16



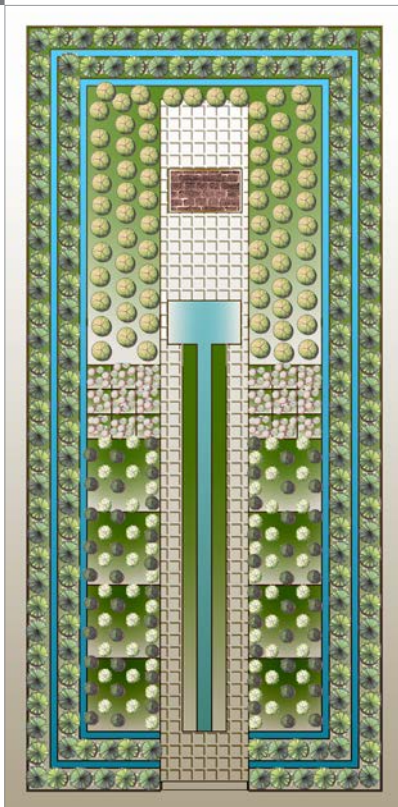
تصویر ۱۶: طرح تک محوری (دو بخشی) باغ از خمسه نظامی، اثر بهزاد. مأخذ: کورکیان، ۱۳۷۷.

Pic16: Un-axial Persian garden in Miniature. Source: keverekyan, 1999.

تصویر ۶: طرح چهارباغ ایرانی براساس رساله ارشادالزراعه. با تأکید بر جهت نقشه. ترسیم: آزاده شاهچراغی. مأخذ: شاچراغی، ۱۳۹۳.

Pic6: Chahrbagh described in "Irshad ol Zelae", Drawn by Azadeh Shahcheraghi. 2014.

تصویر ۶
Pic6



پلان باغ پاسارگاد را ترسیم و معرفی نمود. وی با اینکه فقط یک کانال سنگی را از دل خاک بیرون کشید اما براساس پیش فرضی که از مفهوم عدد چهار (طرح دو محور عمود بر هم باغ‌های تاریخی ایران) در ذهن داشت و با فرض از بین رفتن محور آبی عمود بر محور کشف شده بر اثر گذشت زمان، باغ پاسارگاد را یک چهارباغ معرفی کرد و محور دوم را به صورت خط چین به نقشه اضافه نمود. بنابر نقشه ارائه شده از سوی استروناخ برخی دیگر از باغ‌شناسان همچون هابهاوس (Hobhouse) نیز این نقشه را با طرح دو محور عمود بر هم منتشر کردند. اما در نقشه ارائه شده مرحوم سامی در ۱۳۴۱ و نقشه کخ (منتشره در ۱۳۸۵)، باغ پاسارگاد به صورت تک محوری (تقسیم زمین به دو بخش) دیده می‌شود (تصاویر ۸ تا ۱۱).

با تحلیل موارد فوق در پژوهش‌های اخیر محققان اعلام کرده‌اند که با توجه به تفاوت نقشه ارائه شده استروناخ از باستان‌شناسی باغ پاسارگاد با نقشه ترسیم شده با تکیه بر احتمالات وی، هماهنگی واقعیت کشف شده با نقشه اولیه... این فرضیه را که باغ مذکور براساس الگوی چهاربخشی طرح‌ریزی شده است، زیر سؤال می‌برد. هندسه مستقیم‌الخط باغ ایرانی با محورها و طرح کاشت منظم با نگاه به باورهای ایرانیان در مورد

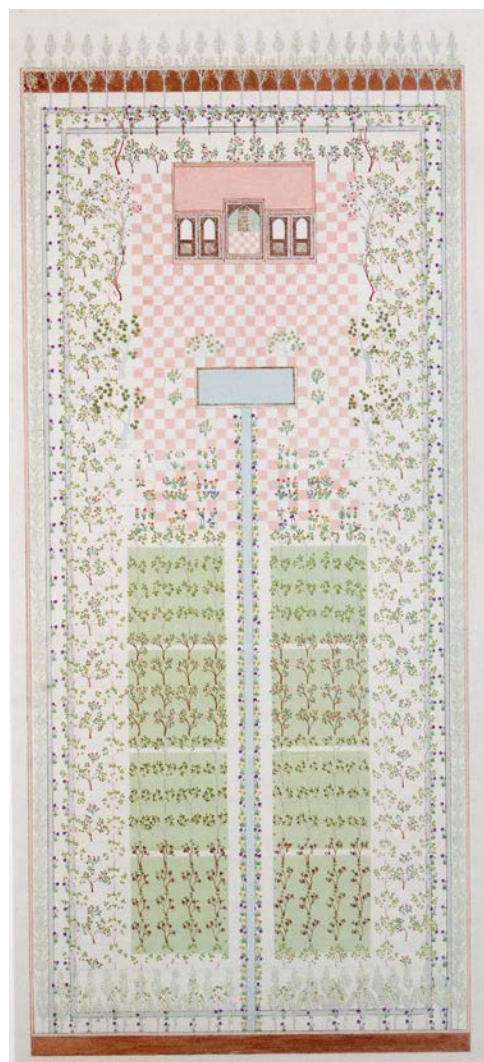
عدد «چهار» در زبان هخامنشی در کتیبه‌های میخی پارسی، اعداد غالباً به صورت ارقام نوشته می‌شود. در کتیبه‌ها از اعداد اصلی فقط یک عدد موجود است که آن هم (اَئِیَو) یعنی «یک» است. از اعداد وصفی سه تا در کتیبه‌ها دیده می‌شود که عبارت است از دومین (دو وی تی ی)، سومین (ثری تی ی) و چهارمین (نوم) (شارپ، ۱۳۴۶: ۹-۸). به بیان دیگر در کتیبه‌های به دست آمده از دوران هخامنشی که با خط میخی نوشته شده‌اند، واژه مربوط به عدد «چهار» یا «چهارمین» دیده نمی‌شود. این سؤال پیش می‌آید که اگر عدد «چهار» یک عدد سمبلیک در عرصه بندی باغ بوده و پیش‌فرض ما استفاده مکرر این واژه در کتیبه‌هاست، چطور این واژه در کتیبه‌های بدست آمده دیده نمی‌شود؟! (تصویر ۷).

چهارباغ در اسناد دوره هخامنشی

براساس کاوش‌های باستان‌شناسی، قدیمی‌ترین باغ به جای مانده که به آن «باغ ایرانی» اطلاق می‌شود، باغ سلطنتی پاسارگاد است که دیوید استروناخ در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) در حفاری محوطه اطراف پاسارگاد متوجه وجود آن شد. وی آثار کانال‌های سنگی را در سایت مورد کاوش خود مشاهده کرد و بر مبنای آن

Pic5: Chaharbagh described in "Irshad ol Zelae", Drawn by Mahvash Alemi. 2006. Source: Petruccioli, 2006.

تصویر ۵
Pic5



عدد چهار، سبب ایجاد مفهوم چهارباغ (به معنای اخص چهاربخشی بودن فضای باغ) شده است با نگاه به باغ پاسارگاد و بسیاری دیگر از باغ‌های ایرانی همانند باغ‌های به جامانده از دوره ساسانی و صفوی درمی‌یابیم که چهارباغ، الگوی باغ‌سازی ایرانی نبوده است بلکه می‌توان آن را تنها به صورت یک الگوی خاص از باغ ایرانی فرض کرد» (منصوری و حیدرنتاج، ۱۳۸۸: ۳۰).

بنابر مستندات ارائه شده و پژوهش‌های اخیر می‌توان طرح باغ سلطنتی پاسارگاد را تک محوری (دو بخشی) تصور کرد به طوری که عرصه باغ را به دو بخش تقسیم می‌کرده است (نک. شاهچراغی، ۱۳۹۳). این موضوع با توجه به اعتقادات زرتشتیان و تأکید ایشان به دوتایی‌ها قابل توجیه و معنادار است (اسموسن، بی تا: ۱۱۴-۱۱۳).

چهارباغ در دوره ساسانی

مطالعات و تحقیقات اخیر در مورد باغ‌سازی در دوره

تصویر ۱۵
Pic15

تصویر ۱۵: نمایش نحوه احداث چهارباغ توسط بابر شاه، با برنامه. مأخذ: Hobhouse, 2003:17.

Pic15: Four square shape parts in Chahrbagh built by BABERSHAH in Miniature in Babernameh. Source: Hobhouse, 2003:17.



تصویر ۷: اعداد اصلی و وصفی شناسایی شده در کتیبه‌های دوران هخامنشی. مأخذ: شارپ، ۱۳۴۶.

Pic7: Main and Descriptive Numbers in Achaemenian period. source, Sharp, 1967.

تصویر ۷
Pic7

اعداد اصلی (Nombres cardinals)

۱-۱ = ۱ (أَبُو) = یک.

از اعداد وصفی (Nombres ordinals) سه تا در کتیبه‌ها دیده می‌شود یعنی:

۱-۲ = ۲ (دَوِی تِی) = دومین.

۱-۳ = ۳ (تَوِی تِی) = سومین.

۱-۴ = ۴ (تَوِی) = نهمین.

چهارباغ در نگاره‌ها

«کارکرد مینیاتورها صیقل ایرانی، این است که شمه‌ای از آن باغ دلپذیر را در عالمی که بدون آن، با زتاب‌ها فریبی بیش نخواهد بود، بنمایاند» (بوکهارت، ۱۳۷۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد چهارباغ در نگاره‌های ایرانی باغ ایرانی با هر دو طرح «دو محور عمود برهم» (چهاربخشی) و «تک محوری» (دو بخشی) به کرات مشاهده می‌شود (تصاویر ۱۴ تا ۱۶).

تأکید بر طرح اندازی چهارباغ

در دوره صفویه

بسیاری از پژوهشگران، باغ ایرانی را تمثیلی از باغ بهشت قرآنی می‌دانند (نک. شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). اما در بررسی باغ بهشت به عنوان تمثیلی از بهشت، لازم به یادآوری است که مبنای اصلی چنین بحثی، شباهت و در برخی موارد مطابقت میان کالبد و اجزای باغ ایرانی و نیز توصیفات مادی از بهشت موعود در آیات قرآن به عنوان مرجع تفکر اسلامی است. پس از گسترش اسلام در ایران به آن‌ها بیشتر توجه شد و در دوران تاریخی بعد از ساسانی، «به ویژه در دوره صفویه بسیاری از باغ‌ها شبیه به توصیفات آیات قرآن ساخته شدند» (انصاری، ۱۳۷۸). همچنین «دوره صفویه اوج توجه به ساخت چهارباغ در شهرهای ایران است، چنان‌که شاه طهماسب اول، همایون بابر را به سیاحت در چهارباغ‌های مشهد دعوت کرد» (مؤسسه دایره‌المعارف الفقه الاسلامی، در دست انتشار، ج ۱۲: ۵۵۹۴). براین اساس اثبات فرضیه «رواج بکارگیری واژه چهارباغ» به جای «چهارباغ» از دوره صفویه به بعد قوت می‌گیرد؛ هرچند بخشی از باغ‌های متعددی که در این دوره ساخته شد، طرح تک محوری (دو بخشی) دارد.

ساسانی نشان می‌دهد: «برخلاف اندیشه‌های رایج مبنی بر هویت و ساختار یکسان باغ ایرانی در طول تاریخ، شاخصه‌های اصلی باغ‌سازی در ادوار گوناگون بسیار متغیر بوده است. بررسی‌ها حاکی از آنست که با گذر از دوران ساسانی به اسلامی، محوربندی و تقسیمات کلی پلان باغ‌ها از تقسیمات دوتایی به الگوی چهارباغ (چهاربخشی) متحول... شد» (حمزه‌نژاد، سعادت‌جو و انصاری، ۱۳۹۳: ۵۷). همانند باغ‌های سروستان، فیروزآباد فارس و عمارت خسرو.

چهارباغ در باغ - فرش‌ها

فرش ایرانی کالبدی‌ترین تجسم باغ پس از تجسم معمارانه آن در ذهن ایرانی است (شاهچراغی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). بررسی و مطالعه طرح و نقوش فرش‌های ایرانی نشان می‌دهد متناسب با وسعت و اندازه هر تخته فرش، دسته‌ای از قالی‌های تاریخی ایران به نحوی واضح نقشه باغ و عناصر (طبیعی و مصنوعی) آن را نمایش می‌دهند و در دسته‌ای دیگر به طور تلویحی به این مضمون اشاره می‌شود. در باغ- فرش‌ها، فرش‌هایی با طرح چهارباغ (چهاربخشی)، طرح سه کشیدگی موازی و طرح تک محوری (دو بخشی) دیده می‌شود. با توجه به بررسی انجام شده معلوم می‌شود که در پژوهش‌های منتشر شده، بیشترین تحلیل باغ- فرش‌ها بر طرح چهارباغ (دو محور عمود برهم) تأکید کرده‌اند. باید علت آن را در رواج این طرح بعد از دوره صفویه جستجو کرد زیرا در اواخر قرن سیزدهم هجری بسیاری از نویسندگان چنین تصور می‌کردند که «باغ‌فرش‌ها» که در عصر صفوی بافته شده‌اند باید قاعدتاً مشابه همان قالی بهارخسروانی باشند (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

جدول ۱. ریشه‌شناسی واژه باغ.
 مأخذ: اقتباس از دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۰۶.

زبان	میانۀ مانوی	سغدی	اوستایی	سنسکریت	ختی	ارمنی	آرامی	گاهانی
تلفظ	b'w	bāg	bāgā -bak	bhāga	bāga	bāg	bāgā	baga
معنی	باغ: ۱- خدا ۲- بخش، سهم، بهره، دارایی، قطعه یا پاره ای از زمین، زمین مشترک.							

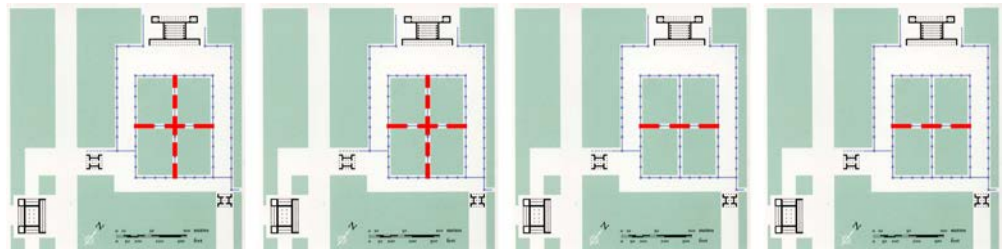
تصویر ۸: باغ پاسارگاد، ترسیم علی سامی، ۱۳۳۰.
 عکس: سامی، ۱۳۷۵.
 تصویر ۹: باغ پاسارگاد. یک محور در باغ.
 مأخذ: Stronach, 1987.
 تصویر ۱۰: باغ پاسارگاد. احتمال محور دوم.
 مأخذ: Stronach, 1990.
 تصویر ۱۱: باغ پاسارگاد. تبدیل خط چین به خط.
 مأخذ: Hobhouse, 2003.

Pic8: Pasargad Garden Plan drawn by Sammi.
 Source, 1998.

Pic9: Pasargad Garden Plan drawn by Stronach 1987.

Pic10: Pasargad Garden Plan drawn by Stronach 1990.

Pic11: Pasargad Garden Plan drawn by Hobhouse 2003.



تصویر ۸-۱۱
 Pic8-11

ساختن باغ‌ها از دوره صفویه بیشتر شده است. به عبارت دیگر تا پیش از این دوره بکارگیری واژه «چارباغ» معمول بوده که با توجه به دودمان‌شناسی واژه «باغ» (بگ) در کتیبه‌های هخامنشی) به معنی «بخشی از جهان» یا «قطعه‌ای از هستی» بوده است. اثبات دقیق تر و قطعی فرضیه مطرح شده در این نوشتار بسیار دشوار و وابسته به کاوش‌های جدید تاریخی در آینده است. امید است نور حقیقت بر ما بتابد.

ساخته می‌شدند. همانطور که در دوره‌های تاریخی بعدی حتی تا دوره قاجار نیز باغ‌سازی با هندسه غیر چهاربخشی در کنار باغ‌ها با طرح چاربخشی دیده می‌شود. از سوی دیگر با مروری بر طرح باغ-فرش‌ها (به صورت دو محور عمود برهم) و نگاهی اجمالی به متون قبل و بعد از دوره صفویه (همانند بابرنامه، رساله ارشادالزراعه، روضه‌الصفات، توضیحات نرشخی) این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که شاید رواج واژه «چارباغ» و چهاربخشی

جمع‌بندی | با توجه به اینکه در کتیبه‌های به دست آمده از دوره هخامنشی در هیچ‌جا عدد «چهار» یا واژه «چهارمین» و یا حتی «چا بگ» دیده نمی‌شود، همچنین با اطلاع از حدس و گمان اثبات نشده استروناخ در اضافه نمودن محور فرضی به نقشه باغ سلطنتی پاسارگاد، به نظر می‌رسد، چهاربخشی کردن سطح باغ در این دوره معمول نبوده است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد در دوره ساسانی نیز باغ‌ها با طرح تک محوری (دوبخشی)

پی‌نوشت

۱. واژه «بگ» به خط میخی در کتیبه‌های هخامنشی.

فهرست منابع

- ابونصر هروی، قاسم بن یوسف. (۱۳۵۶). *ارشادالزراعه*. به اهتمام محمد مشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). *باغ سلطنتی پاسارگاد*. گزارش از کاوش‌های انجام شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا) از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۳. ترجمه: حمید خطیب شهید. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- آسموسن، ج. پ. (بی‌تا). اصول و اعتقادات و دیانت زرتشتی. ترجمه: فریدون وهمن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۷۸). *ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی-اصفهان)*. رساله دکتری. دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبا. گروه دکتری معماری. (استاد راهنما: دکتر داراب دیبا) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۸۲). *باغ ایرانی در تاریخ*. در مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه: ۶۷ اسفندماه ۱۳۸۰. به اهتمام مرتضی دهقان نژاد. جلد ۲. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: نشر مرکز.
- بابر، ظهیرالدین محمد. (۱۳۰۸ قمری). *بابرنامه*. بمبئی: میزرا محمد شیرازی ملک الکتاب.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۳). باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی. *مجله باغ نظر*، ۱۱(۲): ۳-۱۵.
- بوکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). *نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی*. مبانی هنر معنوی. ترجمه: غلامرضا اعوانی. تهران: دفتر مطالعات دینی.
- حمزه نژاد، مهدی؛ سعادت‌جو، پریاوانصاری، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی باغ‌سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی براساس توصیف‌های بهشتی. *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، ۳(۵): ۵۷-۷۹.
- سیدامیر، منصور و وحیدرتاج، وحید. (۱۳۸۸). *نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی*. *مجله باغ نظر*، ۶(۱۲): ۳۰-۱۷.
- سامی، علی. (۱۳۷۵). *پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی (ذوالقرنین)*. به کوشش غلامرضا وطن‌دوست. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۸). *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شارپ، رلف نارمن. (۱۳۴۶). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی که به زبان آریایی (پارسی باستان) نوشته شده است*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۹). *پارادایم‌های پردیس*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۳). *بازیابی طرح تک محوری چهارباغ ایرانی*. *مجله هویت شهر*، ۸(۲۰): ۱۹-۳۴.
- متدین، حشمت‌اله. (۱۳۷۸). *ریشه‌های مذهبی تحول باغ‌های ایرانی*. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایرانی.
- ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کورکیان، وسیکر. (۱۳۷۷). *باغ‌های خیال*. ترجمه: پرویز مرزبان. مجموعه هنر. تهران: نشر پژوهش فرزبان روز.
- عالمی، مهوش. (۱۳۹۰). *نمادپردازی در باغ ایرانی: حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی*. *مجله منظر*، ۳(۱۷): ۱۳-۶.
- مؤسسه دایره‌المعارف الفقه الاسلامی. (در دست انتشار). *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۲. قابل دسترسی در: <http://lib.eshia.ir/23019/> 1/5594/ZD9Z86ZD9Z85ZD9Z88ZD9Z86ZD9Z87 (تاریخ مراجعه: ۹۳/۱۱/۵).
- عبدی بیگ (نویدی) شیرازی، زین‌العابدین علی. (۱۳۵۳). *روضه الصفات*. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- ویلبر، دونالد نیوتن. (۱۳۴۸). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه: مهین دخت صبا. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- Hobhouse, P. (2003). *Gardens of Persia*, United Kingdom: Cassell Illustrated.
- Petruccioli, A. (2006). *Rethinking the Islamic Garden*. Yale F & E S Bulletin, No. 103.
- Stronach, D. (1990). *CAHARBAGH* (Encyclopedia Iranica)-Subtelny, Maria. 1997. Agriculture and the Timurid Chaharbagh: the Evidence from a Medieval Persian.

Pic13: Uni, axial pattern in Chahrbagh garden
 carpet 18 century.
 Source: <http://www.metmuseum.org>

تصویر ۱۳
 Pic13

Reference list

- Abunaser Heravi, G. (928 AH), *Irshad-ol-zera-e*, translator in Persian, M. Moshiri, Tehran: Amirkabir, 1976.
- Alemi, M. (2011), Symbolism in Persian Garden; The Sense of Nature in the Royal Safavid Gardens, *MANZAR*, No:17, P:6-13.
- Ansari, M. (2009), *Values of Persian garden* (Isphahan-Safavid period), PhD thesis, Central Library of Tehran university.
- Ansari, M. (2003), *Persian Garden in History*, Proceeding of Isphahan and Safavid period symposium, M. Dehghan-nejad, Volum;2, Esphahan: Isphahan University.
- Babur, Z.M. (1308 AH), *Baburnameh*, Mumbai: Mirza Mohammad Shirazi Malekalktab.
- Barati, N. (2004), Gardens and Construction of the Gardens in the Iranian Culture and Persian Language, *Bagh-E-Nazar* (Garden of Vision), No:2, p:3-15.
- Burckhardt, T. (1997), *Art Of Islam: Language And Meaning*, The Office of Religious Studies, (translated in farsi by Gholamreza Avani) Tehran.
- Esmaooson, J.P., *Principles and beliefs and religion of Zoroastrianism*, Iranian Culture Foundation.
- Hamzeh Nejad, M & Saadatju, P and Ansari, M. (2014): Comparative Analyses of Persian Garden in Sassanid and Islamic Period according to the Paradise Description, *Journal of Iranian Architecture Studing*, No:5.
- Mansouri, S.A & HeydarNattaj, V. (2009), A Critical Study on the Chaharbagh Theory in Creation of Persian Garden, *Bagh-E-Nazar* (Garden of Vision), No:6, p:17-30.
- Hobhouse, P. (2003). *Gardens of Persia*. United kingdom. Cassell Illustrated.
- Institute of Encyclopedia of Al-Fegh-H-Ol-Islam (In the Press). *Encyclopedia of the Islamic World*, No:12, Available in: <http://lib.eshia.ir/23019/1/5594/%D9%86%D9%85%D9%88%D9%86%D9%87>. (Visit date: 13/02/2014).
- Kevrokian, A.M, Siker, J.P. (1983), *Les dardins du desir*, Sept siecles de peinture persane.
- Motedayen, H. (1999), Iranian Gardens religious roots, *second symposium of Iranian architecture and Urbanism*, Kerman, Cultural Heritage Organization.
- Oshidari, J. (1992), *Zoroastrian Encyclopedia*, Nashr Markaz.
- Sami, A. (1996), *Passargad the tomb of Cyrus the Capital of Achaemenid*, Gholamreza Vatandoost, FARS_SHENASY Foundation, Shiraz.
- Petruccioli, A. (2006), *Rethinking the Islamic Garden*. Yale F&E S Bulletin. no 103.
- Soltanzadeh, H. (1999), *Taj Mahal*, Cultural Research Office, Tehran.
- Stronach, D. (2000), *Passargad, the Royal Garden*, Archaeological excavations -1936-1961, Cultural Heritage Organization.
- Stronach, D. (1990), CAHARBAGH (Encyclopedia Iranica)-Subtelny, Maria, 1997. Agriculture and the Timurid Chaharbagh: the Evidence from A Medieval Persian.
- Shahcheraghi, A. (2001), *Paradigm of Paradise; Recognition & Re-Creation of Persian Garden*, Tehran University Branch, Tehran.
- Shahcheraghi, A. (2015), *Uni-axial Pattern of Persian Garden (CHAHARBAGH) Re-finding*, Journal of Hoviat-e-Shahr, No:20.
- Sharp, R.N. (1967), *Achaemenid Empire Actions in Aryan language*, Shiraz University, Shiraz.
- Abdi Beig Shirazi, Z. *ROZAT-OL-SEFAT*, Moscow: Knowledge Publications Office.
- Wilber, D.N. (1961), *Iranian Garden and their Pavilion*, Tehran.



Chahar-Bagh or Charbagh?

Azadeh Shahcherghi
Ph.D in Architecture, Assistant Professor,
Department of Art, and Architecture,
Science and Research Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran.
shahcheraghi@srbiau.ac.ir

Abstract | Most of the researchers noted that CHARBAGH is the most important pattern of Persian garden and it is an “Archetype”. In other side we have CHAHARBAGH which is formed by two perpendicular axes in garden and divide it into four square shape parts. This paper aims to challenge “Chahar-Bagh” Or “Charbagh” ,which is correct?

So, that is the main question.

In order to find the answer, with a deductive approach, the paper tries to recognize all the documents about “Chahar-Bagh” and “Charbagh”, among historical documents such as, the first documents of PASARGAD garden, available historic books: IRSHAD-OL-ZERA-E, ROZAT-OL-SEFAT, BABURNAMEH and we search it in Achaemenian inscription, and also in Persian miniature and Persian garden-carpet.

In most of the historic books we can find, description of un-axial pattern for creating Persian garden. We could not find any words which means CHAHAR (Four) in available Achaemenian inscriptions.

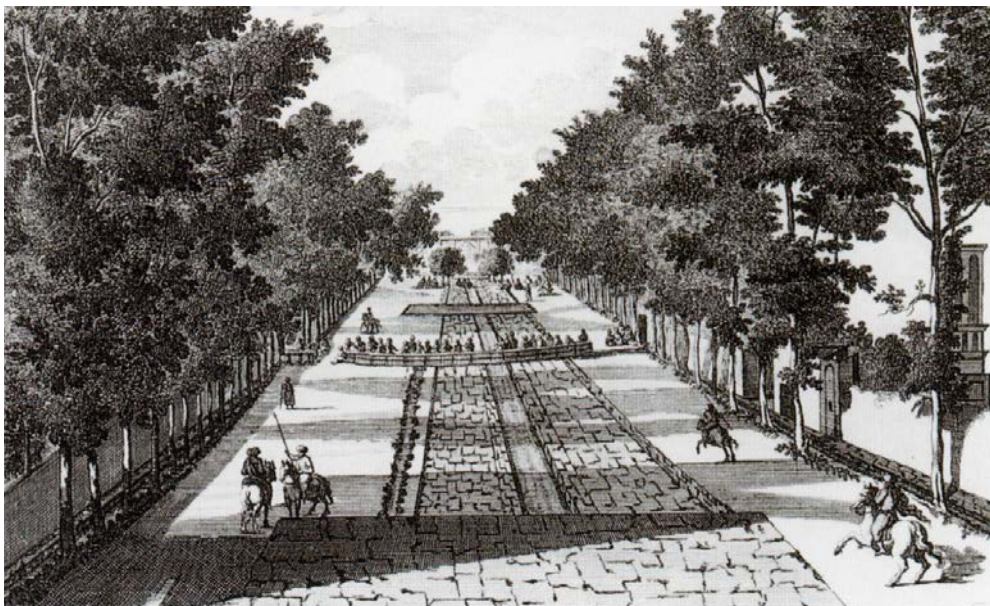
In Persian Garden –carpets and Persian miniature we can observe both patterns of CHAHAR-BAGH archetype which includes: two perpendicular axes pattern and uni-axial pattern as we see the same in Persian Miniatures.

In conclusion we can form a hypothesis which tells us, shaping four square shape parts or CHAHAR-BAGH garden is related to the Safavid period. Iranian built un-axial garden before that period and call it CHARBAGH.

Keywords | Charbagh, Chaharbagh, Persian garden, Archetype.

تصویر ۴: طرح چهارباغ اصفهان در دوره صفویه.
ترسیم فلاندر.
مأخذ: انصاری، ۱۳۸۷: ۵۴.

Pic4: Chaharbagh in Isphahan,
Safavid period. Drawing by Filandin.
source:ansari,2008:54.



تصویر ۴
Pic4